



PDF تیارلان: آی-کتاب
ay-kitap.com

پيدايش خلق تركمن

انتشارات:

كانون فرهنگي و سياسي خلق تركمن

١٣٦٤

۳	پیشگفتار
۴	توضیحی چند درباره طوایف، قبایل، اقوام
۶	نیا کان ترکمن‌ها
۹	سلجوچها
۱۰	آغاز پروسه تکامل قوم ترکمن
۱۲	پیدایش نام ترکمن‌ها
۱۶	تکامل قوم ترکمن و پیدایش ملت ترکمن
۲۰	پیدایش ملت سوسیالیستی ترکمن
۲۲	پروسه شکل گیری ملت ترکمن در ایران

پیشگفتار

کاون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در تعقیب یکی از اهداف خود مبنی بر تحقیق و بررسی پیرامون تاریخ و فرهنگ خلق ترکمن مطلب زیر را ترجمه و تنظیم نموده و در اختیار رخوانندگانو غلاق مندا نهاده است. در نوشته حاضر به تاریخ پیدایش ترکمنها، اینکه آنها از کدام قبایل، طوایف و اقوام بوده‌اند، درجه شرایطی و درجه زمانی و در کجا می‌زیسته‌اند. روابط اقتصادی - اجتماعی آنها با سایر اقوام و ملت‌ها چگونه بوده و چه تأثیراتی بر تاریخ تکامل آنان بر جای گذاشته، قوم ترکمن درجه زمانی شکل‌گرفته است و در پروسه رشد خود چگونه به ملت ترکمن تبدیل گردیده، پرداخته شده است. در این مطلب همچنین به شکل‌گیری و پیدایش اقوام ترکمن در دورانهای اغا زین پروسه فوق توجه بیشتری شده است. اما ضروری است قبل از آغاز سخن پیرامون ترکمنها، مختصرًا و بطور عام درباره طوابق، اقوام و ملت‌ها مطالبی مورد تاکید قرار گیرد و این امر که آنها چگونه بوده، مورد بررسی قرار گیرد.

کاون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

توضیحی چند درباره طوایف، قبایل و اقوام

هراران سال پیش، آنگاه که انسانها در حالتی نیمه وحشی میزیستند، وهنوز شهر، دولت و ملتی وجود نداشت، طوایف و اقوام مرفت رفته شکل گرفتند.

طایفه، بمعناه نخستین شکل تجمع انسانی، بر مبنای پیوند های خونی استوا ریودوا فرادرکمی (از چند ده تا چند صد نفر) را در خود متحده می ساخت. مالکیت در طایفه مالکیت جمعی بود. مردان به شکل ار می پرداختند و زنان دامنهای غذایی، گرد و وقار جمع می کردند و اقتصاد خانواده را اداره می نمودند. در این دوره ازانجاک مطمئن ترین راه شناخت خویشا وندی از طریق مادر بود و همچنین زنان در اقتصاد خانواده نقش برجسته ای ایفا می کردند، موقعیت زن بالاترا ز موقعیت مرد بود. مقرر از طایفه ازدواج مردان با دختران طایفه را ممنوع می ساخت، بهمین سبب مردان یک طایفه با دختران طوایف هم جوا را ازدواج نموده، یا زن خود را به طایفه خویش می آوردند و یا خود به طایفه والدین همسر خود می پیوستند از طریق این گونه روابط چند طایفه که به یک زبان سخن می گفتند بهم پیوسته و قبیله را بوجود می آوردند.

شكل تجمع قبیله‌ای - طایفه‌ای حتی پس از رام کردن حیوانات و فراگیری شیوه‌های بهره‌برداری از زمین و گذاربهدا مداری و کشاورزی نیز در میان انسانها حفظ گردید. در برخی از عقب مانده ترین نواحی کره زمین (در کوههای جزیره ایریان، بعضی مناطق افریقای مرکزی و جنگلهای آمریکای جنوبی) حتی تا همین آخر نیز اسکال طایفه‌ای قبیله‌ای وجود داشت. مضاف بر آن بقایای چنین ساختهای در بین بسیاری از خلقها، از جمله خلق ترکمن هنوز نیز حفظ می گردد.

با گذشت زمان انسانها اوضاعیت زندگی نخستین خارج شدند و پیوند های اقتصادی و اجتماعی آنان بطرز چشمگیری گسترش یافتد. کشاورزان ساکن جلگه های کناره رودخانه ها با ایجاد شکه های آبیاری پیچیده واحدات کانالهای بزرگ بهای یا شهرها پرداختند. دامداران نیز یه راه دامهای خود به مناطق دور داشت، گاهی تا فاصله

صدها کنیلو متر کوچ می نمودند و میزان داده شد تا طوا بیف مجاور گسترش
می یافتد در چنین زمانهای شکل تدوین تجمع انسانی یعنی اقوام
پدید آمد در ترکیب اقوام دهها قبیله و گاهی قبایل منسوب
به نژادهای مختلف وارد می شدند.

- اقوام طی دو فرما سیون بزرگ تاریخی یعنی دورانهای
برده داری و فتووالیزم دوام یافتند قدیمی ترین اقوام حدود
۵ - ۴ هزار سال پیش بوجود آمدند در طی مدت زمان طولانی که از آن
روزگار رسیری شده است اقوام بدون تغییر مانده اند برعکس اقوام
کوچ بهم آمیخته و پاره ای دیگرازهم باشیده اوقام جدیدی پدید
آورده اند.

بعد از هنگامی که نظام سرمایه داری بتدریج جایگزین
فتووالیزم گشت تجارت و صنعت رشد سریع خود را آغاز نمود و با ط
اقتصادی میان انسانها تحکیم یافت پروسه تبدیل اقوام رشد
یافت و تکامل به "ملتها" آغاز گردید ملت شکلی اجتماع افراد
است که وجه مشخصه آن عبارتست از یهم پیوستگی و وحدت اقتصادی
اشتراک سرمیان، اشتراک زبان و اشتراک فرهنگ معنوی و خصوصیات
روانی ملت با استحکام خود از نظر سرمیان، زبان و فرهنگ و قبل از
همه پیوستگی روابط اقتصادی از قوم متما بزمی گردد.

ملتها ۵۰۰ سال قبل در سرمیانهای رشدی افتاده روابط
غربی که گام در راه رشد سرما بدهد از آنها بودند شروع به
پیدایی نمودند به موازات شکوفایی سرمایه داری ملت های این نقاط
دیگر جهان نیز پا گرفتند ملت (ملت بورزوایی)، طبقات متخاصم،
اعم از سرمایه داران و کارگران و فتووالیها و دهقانان را در بر می گرفت
مبارزه لاینقطه میان ثروتمندان و تهدیدستان میان استثمارگران
و استثنا رشوندگان ملتها بورزوایی را می ساید و از توان می اندازد.
با پیدایش نظام سوسیالیستی ملتهاي نوع جدید ملک
سوسیالیستی پدید آمدند ملل سوسیالیستی از آنجاکه
از طبقات و اقسام غیر متخاصم یعنی کارگران دهقانان و روشنفکران
خلقی تشکیل یافته اند از ملل بورزوایی متما بزمی گردند بهمین
سبب تضاد آشتنی ناپذیر طبقاتی در میان ملل سوسیالیستی وجود
ندازده این لحاظ روابط درونی آنها بسیار مستحکمتر از ملل
بورزوایی است برای نخستین بار ملل سوسیالیستی در اتحاد جما هیئت
شوری سوسیالیستی در واسط سالهای ۳۰ بوجود آمدند !!

ملل سوسیالیستی در شرایطی دموکراتیک، در شرایط همیاری
متقابل رشدمی یابند بهمین سبب حسن انترنا سیونالیسم پرولتیاری
احترام به خلقهای دیگراز صفات ذاتی این ملتهاست هر ملت
سوسیالیستی جهت شکوفایی اقتصادیات خود و رشد و پرورش مندی دولت
تمدن و فرهنگ ملی خویش از امکانات لازم برخوردار است در عین
حال هر کدام از آنها به موازات کسب پیروزی های اقتصادی و فرهنگی
همدیگر را غنی تر ساخته و بتدریج بهم نزدیک می شوند.

رشدملتهاي سوسیالیستی حتی در دوران کمونیزم ملتهاي مددی

ادامه خواهد آشت. در عین حال روندزدیکی ملل به یکدیگر نیز رفته و فتنه شتاب بیشتری خواهد گرفت و هر ملتی - حتی کوچکترین آنها - سهم خوبی را به اقتصاد تومند جهانی خواهد فزود.

۱ - طبقات استثمارگرد را تحدی دشوروی نه در سال ۱۹۱۷، بلکه در اواسط سالهای ۳۵-۳۶ میان رفتند، به معنای دیگر در فاصله ۱۹۱۷ تا اواسط دهه ۳۵ حزب کمونیست و مردم شوروی در جریان ثابت شودی طبقات استثمارگر بودند و این پروسه در اواسط سالهای ۱۹۴۰ خاتمه یافت.

نیاکان ترکمن‌ها

در محدوده‌ای که هم اکنون ترکمنها سکونت دارند (۱) در روزگار ان کهن - دهها و صدها هزار سال قبل - نیز انسانها می‌زیستند. سوا حل بحرخراز، کناره‌های بخش سفلای روختانه جیحون و مسیر رودخانه "اوزبُوی" زیستگاه طوایف ما هیکر بود و طوایف شکارچی در کوهستانها و دشتها اسکان گزیده بودند. نه ما هیگیران و نه صیادان قادر به ساختن خانه و استفاده از فلزات نبوده‌اند. آنان در غارهای "چاتما" ها (نوعی کلبه) زندگی می‌کردند و این موردا استفاده آنها را تپروکمان‌هایی با پیکانهای سنگی، تبرها و کاردهای سنگین و چوبی‌ای دستی ساخته شده تشکیل می‌دادند.

قریب ۸-۹ هزار سال پیش، نخستین روستاهای کشاورزان در نواحی "آخال" و "اتک" پدیدارد. روستاشینان در خانه‌ای بزرگ - که با خشت خام بنا شده بود - می‌زیستند. در هر خانه، خانواده‌ای بزرگ و یا حتی تما می‌افرادیک قبیله سکونت داشت و آنان در اراضی مرتبط و با تلاقی که از آب چشم‌ها و جویبارها بوجود آمده بود، جو کاشته و کشت خود را با داسهای سنگی درومی کردند. به جهت عدم وجود آسیاب زنان داته‌ها را با سنگ کوبیده آردیمی کردند و نیز ظروف خود را از گل رس ساخته، با رنگ قهوه‌ای رنگ آمیزی می‌کرده‌اند. انسانهای ۲-۶ هزار سال قبل، نخست بزوسرگ و سپس گوسفند، خوک، گاو، اسب و شتر را رام کردند، جهت آبیاری مزارع خود بتدریج به کندهن جوی خوب و گرفتند، خیش ساختند و طرز استفاده از آن را آموختند، ذوب فلزات ساختن ابراز، اسلحه و اشیای زینتی را بتدریج یاد گرفتند. بدین ترتیب روستاها گسترش یافت و بزرگ ترین آنها با کشیده شدن حصار برپیرا موتشران خصوصیات شهرهای کوچک را بخود گرفتند. روستاهای "پارسی تپه" در بیان عرب، "ایکی تپه" در حومه "آنو" "نمای زاغاتپه" در حومه "کاکا" "یا سی تپه" در جنوب رود آترک "دوشاق" "التین تپه"

ویلیغون تپه در حومه "معنه چا چی" و... محل استقرار چنین روستاها بوده‌اند که هنوز نیز با بر جا هستند. حدود چهار هزار سال قبل، طوایف صحرانشین از شکاریه دامداری روی آوردن، افزایش تدریجی شما را زده‌اند، امکان اسکان طولانی در یک محل را از آنها سلب می‌نمود و آنها را به سوی کوه نشینی سخون می‌داد. لازم به یاد آوری است که بسیاری از طوایف درودا زکمن هم زمان به دامداری و کشاورزی اشتغال داشته‌اند. در آن روزگار مانند ترکمن‌های ۱۵۰ سال پیش، بخشی به صورت کوه نشین و بخشی دیگری به شکل اسکان یافته (تخته قابو) زندگی می‌کردند.

در دوران باستان و سده‌های میانه بخش عمده ترکمن‌ها را همان طوایف نیمه ساکن دامدار - کشاورز تشكیل می‌داد. کشاورزان و دامداران بطور مدام و ماهر می‌گردند و دوستی کردند، آنها غله را با دام، فراورده‌های پوستی و پشم می‌باذله می‌نمودند، چنین بود پرسه تقسیم ترکمن‌ها به مردمان دامدار و کشاورزی که تازمان مانیزند و یافته‌است.

کشاورزان تنها به استفاده از آب چشمه‌ها بسته نگردد، بتدریج استفاده از آب رودخانه‌های مرغاب، تجن و حتی رودهای بزرگی چون حیجون را نیز جهت آبیاری اراضی خود فراگرفتند. برای این کار احداث سده‌های بزرگ، حفر کانال‌های اصلی و لایروبی سالانه آنها ضرورت داشت و این کاری بود که اشتراک عمل، رنج و وزحمت متحده تمامی اهالی منطقه را طلب می‌کرد. این عامل در کنار روابط تجاری و بدهگشترش دست بزرگ داشت هم‌داده به وحدت تدریجی قبایل و بیدایی اقوام یاری و ساند.

همزمان با پرسه فوق الذکر و به موازات افزایش تعداد صحرانشینان، دامداران ناگزیر بودند تا هرچه بیشتر کمبودمرا تبع را تحمل نمایند. بهمین سبب حدود ۳-۴/۵ هزار سال قبل جمعیت عظیمی از دامداران نیمه اسکان یافته شمال سرزمین اقوام ترکمن و رودیه جنوب را آغاز کردند و حتی بخشی از آنان تا ایران و هندوستان نیز نفوذ نمودند. طوایف کوه نشین که از شمال وارد ایران شدند (ترکمن صحرای کنونی)، اندک‌اندک با مردمان کشاورزی و زبومی در آمیخته و بخشی از آنان در این منطقه اسکان گردیدند.

- در هزاره نخست قبل از میلاد در نواحی مزروعی که امروز ترکمنها اسکان یافته‌اند اقوام گوناگونی زندگی می‌کردند.

آخال، اتک و بخش سفلای رودجن (هریروود) و نیزنا حیه شمال شرقی ایران کنونی محل زندگی "پارت‌ها" بوده‌است. پارتهای دار نتیجه آمیزش بومیان کشاورز و زجلگه نشینان دامداری که از نواحی شمال به این مناطق کوچ کرده بودند بوجود آمدند. بخشی از پارت‌ها به کشاورزی و بخش دیگر در چراکا همای کوهستانی و اطراف صحرای قزه قوم - در امتداد تلاقی آن با "کوبیت داغ" (کوهای کوبیت) به دامداری اشتغال داشته‌اند. پارتهایه قاتلی های نفیعی و اسبان تیر تک خود شهرت داشته‌اند. لشکریا رتها با سواره نظام کثیرالعدد خود

هران در دل دشمنان می‌افکند
— در آن ایام در جله مرغاب که در آنجا سیستمی از کانالهای بزرگ و پیچیده احداث شده بود، قوم دیگری به نام "مارگیانایها" سکونت داشتند. مارگیانایها عمدتاً به کشاورزی اشتغال داشتند. اما دوعین حال در چراگاههای سرسبز حوالی جله مرغاب به دامداری نیز می‌پرداختند. آنان صنعتگران ما هری داشته و تهیه آهن و ساختن سلاحهای بسیار خوب پولادی را خلی زود فراگرفته بودند. مارگیانایها نیز همانندیها را با انگور و شراب خود مشهور بودند.

— سومین قوم یعنی خوارزمی‌ها در پیش سفلای رو در جیون شکل گرفت. در آنجا نیز همچون ترکمنستان جنوبی اقتصاد مختلط وجود داشته، ولی اساس آن را کشت‌آبی تشکیل می‌داد.
پارتها، مارگیانایی‌ها و خوارزمی‌ها به زبانی که از شاخه‌های زبان ایرانیان بود تکلم می‌کردند. در میان همه‌این اقوام، حامعه‌ی طبقات بهره کش و بهره‌ده تقسیم می‌شد. کخدایان ثروتمند به حساب دسترنج دهقانان و برده‌گان زندگی می‌کردند. از برده‌گان عمدتاً در کارهای سخت بر روى زمین، چون احداث ولاپرواپی کانالها، در ساختن و تعمیر سدها و ساختمان قلعه‌ها و پیش‌باشد خدمتکار در کارهای خانه استفاده می‌شده است. دهقانان ناچار بودند بخشی از احشام و محصولات خود را به کخداده‌ها داده و همچنین در لایروپی سالانه کانالهای نیز شرکت جویند.

کخدادهای اداری، ارتش، دادگاهها زندانها و امثال آن (دستگاههای آنها در "ارک قالا" و "پازتیه" در پایین مرغاب)، "یلکن" پیه "در ترددیکی های ایستگاه قورشوق"، "کونده‌لی قیر" در استان داش حوض (در ترکمنستان شوروی) و ... هتو زنیز پا به راست. علاوه بر اقوام یاد شده طوابیف دیگری (ذاخها، ماساگتمنان و سارماتها) نیز در راضی مورد بحث اسکان داشته‌اند. آنان که به شبهه دامداری اشتغال داشتند در مقایسه با سه قوم پارتها، مارگیانایها و خوارزمی‌ها بسیار عقب مانده تربودند. داخه‌داری خوش شمالي رو آترک و جنوب شرق قاراقوم، ماساگت‌ها در شمال درونا خی همچو از دریاواری آرال و سارمات‌ها در شمال غرب و شمال کوههای معروف به بالکان بزرگ" می‌ذیسته‌اند.

داخها و ماساگتها از نقطه نظر شیوه زندگی شبا هست بسیاری بهتر داشتند. آنان علاوه بر دامداری به زراعت نیز می‌پرداختند. بطور مثال داخهای ساکن دشت‌های شمال اتفک روستاهای بزرگی داشته‌اند (خرابهایی عزت قلی تیه و ما دا و تپه‌کنوئی در اتحاد شوروی و ...) ولی

لازم به یاددا وری است که ثروت اصلی آنها دامها یشان بوده است. در میان داخها و ماساکتها شرمندانی از نوع رهبران قبایل و طوایف وجود داشت، سلاح‌نا نیسیا رگرانیها بود ولیاسوزین و رگ‌اسپان خویش‌ربای طلامی آراستند. در جوار وجود چنین "اغنیا" بی تعداد تهدید‌شکان و پرده‌گان نیز زیاد بود. داخها و ماساکتها جنگا و رانی بی باک و سوار کارانی ما هربودند. آنان آفتاب را که به شکل پهلوانی با کلاه‌خود زوین، کمانی کشیده و پیکان طلایی، سوا ویرا سبی بالدار و نیرومند تجسم می‌یافتد پرستش می‌کردند و اسب را جیوانی خوش‌یمن دانسته با عشق و علاقه و دلسوزی خاصی تیما رش می‌داشتند. شیاهات اسبهای داخها، ماساکتها و پارتها با اسبهای "آخال تکه" ویمسوت امروزی توسط داشمندان شوروی روش شده است. افسانه‌های مربوط به خدا بی که با اسب بالدار خویش در حرکت بود، بعدها هنگام ظهوراً سلام اساس رواست "علی بن ابی طالب و دلدل" گشت که در سطح بسیار وسیعی در میان ترکمن‌ها اشاعه یافته است.

متاسفانه اطلاعات مادرباره سازما تها - که در کرانه شرقی بحر خزر می‌زیستند - بسیار کمتر است. داخها، ماساکتها و بخشی از سارماتها احتمالاً نیاکان ترکمن‌های کونی اند، بنظر برخی داشمندان داخها حتی نیاکان تکه‌ها و سارماتها ا جداً دیموتها بوده اند.

سلجوقهای

درا وايل سده ياردهم - درنتيجه جنگهاي شديد و طولاني علىه قبایل صحرانشين (قیچاق‌ها، کیماق‌ها و...) اوغوزها از محدوده قراقيستان کنوئي رانده شدند و دولت اوغوزها نيز ازهم پا شيد. بخشی از آنان به سوی باخته، به دشتهای اوکرائین مهاجرت نموده و به تدریج در آنجا سکنی گزیدند و یا حتی دورتر از آن یعنی به سوا حائل دون و مجا رستان نفوذ نمودند. روس‌ها آنان را ترک‌ها و یونانیان "اور" (یعنی اوغوزها) می‌نامیدند. احتمال داده می‌شود که "پچنهک" ها و نیز بخشی از طوايف قای، بیانه با یندورو و نیز در این تغییر مکان شرکت ورزیده اند. در قرن یازدهم و دوازدهم اوغوزها، شهری به نام "توچسک" در اوکراین بنانمودند. هرگز نام ترکمن‌ها به این بخش ازا و اوغوزها اطلاق نشده است. ضمناً اوغوزهای نیز که به سوی باختر رفتند، بعدها ب تدریج جذب دیگر خلقوهای اروپای شرقی گشته‌اند و از آنان فقط شما را تدکی که در "بسارابی" زندگی می‌کنند، به جای مانده است (قاقا اوزها).

بخشی ازا و اوغوزها که به زورا زسرزمینهای خود رانده شدند، به سوی

جنوب به مناطق کشاورزی آسیای میانه و ایران رفتند، درا
پورشها و تجاوزگریها سلجوک‌ها - از قبایل ترکمن - نقش اساسی
داشتند.

سلجوک‌ها در اواخر قرن یازدهم در شمال بخارا می‌زیسته‌اند.
مغولین شرقی‌گاهی آنان را ترکمن‌ها و گاهی اوغوزها و بعض‌سلجوک‌ها
نامیده‌اند. در قرن دهم میلادی سلجوک نامی از حکمرانان آنان
علیه حاکم مغول، علم طغیان برافراشت و پس از فراز مردم‌ها بیت
امیر بخارا قرار گرفت. به همه قبایلی که در این حادثه به همراه
سلجوک‌گریختند و پس از آن بیوستند، "افراد سلجوک" و پا
"سلجوقيان" نام نهاده‌اند. آنان مابین دیگر ریاست‌ترک‌ها دیگر
دین اسلام را پذیرفته و سیاری از عنصر متمدن یومی را جذب نمودند.
این اوغوزها یعنی سلجوقيان به مرور زمان به ترکمن‌ها موسوم شدند.
هر چند سلجوک‌ها بعد از قدرت یا فتنه‌لویی درا و ایل سده یازدهم تا ب
مقام و مت در برابر هجوم سا بر قبایل ترک گم‌بخشی‌ای عمده آسیای
میانه و منجمله بخارا را به تصرف خود درآوردند. نیا ورده و به
ناچار از جیحون گذشته به سوی خراسان گریختند. در آن زمان سلطان
مسعود غزنوی بر مناطق شمال شرقی ایران حکومت می‌کرد.

سلطان مسعود به مقابله با سلجوک پرداخت. لشکریان اعزامی او
برای سرکوب سلجوک و افرادش شکست خورد و تاروما رگردد سلطان
مسعود را زیای نیشت و مجدد ابه لشگرکشی علیه سلجوقيان پرداخت،
ولی لشکریان او برای با ردوم منهزم گردیدند و سرداران سلجوک
نهادند و مژوّر ابه پایتختی خود را اختاب کردند.

با پیروزی سلجوقيان اوضاع تغییریافت. تماماً اوغوزهای
آسیای میانه و برخی قبایل صحرانشین بتدریج برگردانهای جمع شدند.
همه‌این مردم - که به صدهزار تن بالغ می‌شدند - کم‌کم "ترکمن‌ها"
خوانده شدند و همانند ساسایر قبایل و طوایفی که وارد ترکیب ترکمن‌ها
گشته بودند، نام اوغوزهای نیز بتدریج از یادها رفت و عمدتاً در روایات
وشجره نامه‌های قدیمی باقی ماند. در سده دوازدهم فقط بدیکی از
طوابیف ترکمن - طایفه‌ای که در حوالی بلخ می‌زیسته‌اند - و در
۱۱۵۳ میلادی علیه سلطان سنجار علم عصیان برافراشته‌اند، نام
"اوغوزها" اطلاق شده است.

بدین ترتیب و نتیجه‌کمالی قوم ترکمن آغا زمی شود. در ترکیب
ترکمن‌ها عمدتاً اوغوزهایی که پس از فروپاشی دولت اوغوزهای در
آسیای میانه بحایانده بودند و بیزبسیاری از قبایل بیابان نشین
(خلج‌ها، قارلیق‌ها و...) وارد می‌شوند.

سرداران سلجوک تنها به تصرف خراسان اکتفا نکرده در جنگ‌های
استیلاگرانه جدید‌ترما می‌ایران، ما و راق قفقاز، عراق، سوریه،
آسیای صغیر و همچنین سراسر آسیای میانه را به تصرف خود درآورده‌اند.
آن‌ها حتی امپراطوری و فرمادا رشکت‌های فاحش ساختند. و خود
امپراتور توسط سربازان ترکمن اسیوگشت. دولت سلجوقيان در نیمه

دوم قرن یازدهم به یکی از نیرومندترین دولتهاي جهان تبدیل شد. این دولت براسان غارتی رحمانه مردمانی که در جنگهاي خونین مغلوب گشته بودند، بنا شده بود. قبايل ترکمن که با نثارخون خود سرزمین ها و شرطتهاي جديدي نصيب سلاطين خودنموده بودند. بتدریج آنان متصرف شده و جهت خاتمه دادن به جنگهاي بي پایان، علیه آنان سوبه شورش برداشتند، بدین ترتیب این دولت عظیم در آخر قرون یازدهم از هم پاشید.

در طول جنگهاي تجاوزگرانه سلوقيان شماركشري از ترکمن ها به سرزمين هاي فتح شده بویژه به خا ورنزديك (آذربايجان، ارمستان، آسياي صغير و بعضی مناطق عراق و سوریه) یافتند. بعدها يخشى از ترکمن ها آنانهم فرات رفته حتی به اراضي حبيشه (آتيپسي کونی) نيز نفوذ نمودند. بخش قابل توجه دیگري از ترکمن ها به رهبری خانهاي "خلج" در قرن دوازدهم و ادنه دوستان شده در جلگه هاي حاصل بجز سند و گنج اسکان یافتند. "بختار" نامی از سرداران "خلج" و فرزندان وي مدتها در بنگال حکومت کردند و از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۵ ميلادي پا دشا هي کل هندوستان در دست سرداران خلنج بود. سرکردهان توکمن در قرنهاي ۱۵-۱۶ نقش برجسته ای دو تاریخ سياسي هندا یافا نمودند، اما ترکمن هاي که به هندوستان کوچیده بودند، بتدریج با قبايل گوناگون افغان و ترک و بوميان هندي در آميخته، در ميان جمعیت عظیم بومي، پخش و حل گشتند.

بخش دیگري از ترکمن ها یعنی توکمن هاي "سميرچيه" و آسياي مرکزي (قارليقها، آربوها، توخسيها و...) دو حركت سلوقي هاست شرکت نکردند. اينان رابطه بسيار ضعيفي با ترکمن هاي دیگرداشتند بعدها نام ترکمن هادر آسياي مرکزي بطور کامل فرا موش شده و نام او غوزها نيز از آسياي ميانه نا پديد گردید.

بدین ترتیب يکی از قدیمی ترین اقوام ترکمن که در قرنهاي دهم و یازدهم ميلادي گام در راه تکوين و تکامل گذاشته بود، قبل از اتمام اين پروسه متلاشی گشت، فقط يخشى از ترکمن ها در آسياي ميانه باقی ماندند، ولی اکثر آنان به خا ورنزديك، هندوستان و يا آسياي مرکزي رفتند در آنجا اسکان گزیدند. آنان با بوميان در آميخته و در آنها حل شدند.

بخش از ترکمن ها که در قرن یازدهم و بعدها در سرزمين خويش - در آسياي ميانه - باقی ماندند، از بعده آزمون تا ریخ مستحکم و مقاوم بیرون آمدند و خلق ترکمن امروزی آنان بوجود آمد.

آغاز پروسه تکامل قوم ترکمن

پیدایش نام ترکمن‌ها

اراضی و مناطق ترکمن نشین کنونی (در اتحاد شوروی، ایران و افغانستان) از زمان‌های قدیم عرصه تاخت و تازهای متواتالی پادشاهان و حکام گوناگون بوده است. ۲۵۰۰ سال پیش پادشاهان ایران مردمان دامنه کوههای کوپت و استانهای حاصلخیز کناره‌های مرغاب و جیحون را تحت تابعیت خود درآورده اند. اما در جنگ علیه طواوف صحرا نشین با رهادچار شکست‌های سنگینی نیزگشته اند، اسکندر مقدونی استیلاگرنا می‌یونانی و فاتح سرزمین‌ترکمن‌ها در جنوب نزدیک به ۳۵۰ سال پیش، نتوانست صحرا نشینان را مطیع خود سازد. اقوام کشاورزی‌هایها و مارگیانایی‌ها که مغلوب استیلاگران گشتند پیوسته در آرزوی آزادی بوده اند. ۲۵۰ سال قبل از میلادیکی از سرداران بومی، موسوم به "آرشاک" (آشک) بایاری داخه‌ای بخش سفلای تجن علیه یونانیان شورید و به دنبال پیروزی‌های پی در پی شاهنشاهی بسیار بزرگ پارت‌ها (اشکانیان) را - که بیش از ۵۰ سال دوام آورد - بنیان نهاد.

در قرن سوم میلادی پارت‌ها مغلوب شده و تاروما زگردیدند و مناطقی که قسمت‌هایی از شمال و شمال شرقی ایران کنونی را در بر می‌گرفت درنتیجه سیاست‌های فاتحین بتدریج نام "خراسان" بخود گرفت. ساکنین این استان که فرزندان پارت‌ها، مارگیانایی‌ها و احتمالاً داخه‌ای بوده اند از شده‌های چهارم و پنجم میلادی اکثر بانام عمومی خراسانی ها شناخته شده‌اند. اینان به زبانی نزدیک به زبان فارسی و تاجیکی - که از شاخه‌های زبان فارسی است - تکلم می‌نمودند.

خراسانی‌ها در کوهها و روستاها زندگی کرده، عمدتاً به زراعت و پیشه‌وری اشتغال ورزیده‌اند. در میان آنان سوداگران نیز بوده‌اند. در قرن‌های ۱۰ - ۶ میلادی خراسان دارای تمدنی عالی بوده است. و شعراء، دانشمندان، معماران زبردست و استادان حرف‌گوناگون در آن می‌زیسته‌اند. بخشی از خراسانی‌ها و خواهر زمی‌ها بعده بتدربیج با ترکمن‌ها در آمیخته‌اند. بهمین جهت نیز خلق ترکمن‌یکی از

میراث داران را سهین تمدن خراسان و خوارزم بوده است. در سال ۶۵۱ میلادی خراسان و سپس خوارزم به تصرف استیلاگران عرب درآمد. اعراب مهاجم دین اسلام را با خود به آین منطقه آوردند. بخشی از اعراب و عمده اعراب بدیع در بیانهای قلمرو جنوبی ترکمن ها اسکان گردیده بعدها وارد ترکیب شرکمن ها گشته است. خلافاً عرب تا ۱۷ قرن نهم بر این منطقه حکم راندند و سپس حاکمیت به حکام بومی یعنی امیران خراسان و شاهان منتقل گردید.

مقارن با این دوره اتفاقات مهمی در صحراء های متصل به دریا چهارال و دریای خزر رخ داد. رشد مالکیت خصوصی برداشناها و چاهها پیدا یش طبقات و مبارزه طبقاتی در میان کوچ نشینان، تشید چنگها و برخوردها میان طواویف، چیا و لکری و لشگرکشی به مناطق دور دست، سبب پیدایش و نیز فروپاشی اتحادهای گوناگونی در میان طواویف صحرانشین می گشت. این امر در هر حال به آمیزیش بیشتر طواویف با یکدیگر منتج می شد.

قریب به دوهزار سال پیش "آلانها" که از اسلاف سارماتهای ما ساخته اند در صحراء های قلمروی ترکمن ها جایگاه و موقعیت بسیار مهمی کسب کردند. آلانهای ساکن دشتی ای شمال قفقاز زوکوهپایه ها، دامدار بوده و بخشی نیز به کشت و زرع اشتغال داشته اند. آنان با اسبها و چنگجویان بی باک خود مشهور بودند. آلانها شمشیر آهنی را ستایش می کردند.

بقایای این آئین به صورت تقدیس "جوهر پیحاق" یا "جوهر قلیچ" (نوعی کار دیا شمشیر از آهن سخت) هنوز نیز در میان ترکمن ها حفظ شده است. آلانهای کی از اجداد اصلی ترکمن ها (همچنین بخشی از کوه نشینان قفقاز) محسوب می گردند. اگر بخواهیم دقیق تر بیان کنیم ویشه طایفه "یازر" - از طواویف قدیمی ترکمن - احتمالاً به "یاس ها" (یکی از شاخه های آلانها) می رسد. طایفه ترکمنی یا زر بعد اینها "قره داشلی" نامیده شده است. آداب و سنت آنان مثلاً عادت شکل بیضوی دادن به سریجه ها از طریق بستن مداد و آنها با دستمال تا همین اوخر در بین ترکمن ها حفظ گردیده بود. استفاده از کلاه پوستی (تلیک)، پوشیدن "قریل دون" (قبای سرخ) و بسیاری از اجزاء زین و بروگ اسب و ... احتمالاً از آلانها به شرکمن ها رسیده است.

حدوده ۲۰۰۰ سال قبل ویا بیشتر از آن، طواویف مختلف دامدار و کوچ نشین، مغول، که با قدکوتاه و چشم‌انی مورب و کوچک متمايز می گشته اند از آسیای مرکزی و از بیانهای متصل به دریاچه آرال و خزر شدند. نخستین آنها هون "ها بودند که با ماساگت، در آمیخته و "افتالیتها" را پدید آوردند. احتمال می رود که اینان نیا کان ترکمن های "ابدال" و بعضی طواویف افغانستان را باشند. در پیدایی خلق ترکمن مهمترین نقش را ورود "اوجوزها" و "قارلیقهها" و بسیاری دیگر از طواویف ترک به آسیای میانه (از قرن ۶ میلادی به بعد) ایفا نمود.

چنانکه در با لاذکر شد در پیرو سه تکوین و تکامل خلق ترکمن از بین همه طوایف ترک، او غوزه ها نقش بر جسته‌ای ایفا کردند. آنان در قرون ۸-۱۴ میلادی در آسیا میانه ظاهر شده، بتدریج تقریباً در تمامی صحراءهای آسیا میانه و بخش بزرگی از قراقوستان (یکی از جمهمه‌یهای کنونی اتحاد شوروی) پخش گشته، طوایف کوچ نشین آنانها، یا سهای و... را تخت تبعیت خویش در آور دند و با آنان در آمد میخندند.

"ا" غوزه‌ها "که به طوایف متعددی تقسیم می‌شدند در قرن دهم دولت بزرگ او غوزه‌ها را بوجود آوردند. حکمران آنها موسوم به "یابغو" در شهر "ینگی کنت" در پیش‌سفلای رو دیسخون اسکان کرد، پخش عمده او غوزه‌ها را مدارای می‌کرده، بزوگوسفند، اسب و شتر ریورش می‌داده‌اند. آنان در صحراء‌ها "آلاچیق‌ها" یا پوش پردازم (موسوم به قارا وی) می‌زیسته‌اند. در میان او غوزه‌ها در مناطق گرم‌سیری کشاورزان و ماهیگیران نیز بوده‌اند. او غوزه‌ها بمنابعه سوا رانی شگفت‌انگیز و تیراندازی زبردست شهرت داشته‌اند. اکثریت قریب به اتفاق آنها را دامداران و کشاورزان آزاد تشکیل می‌داده، ولی در میان آنان بردگان نیز بوده‌اند.

در میان او غوزه‌ها روانی‌هایی درباره تاریخ طوایف شان وجود داشته است، بطور مثال روانی‌ای درباره "اغوزخان" بنیان‌گذار و سرسلسه او غوزه‌ها و نیز پدر قهرمان و فاسانه‌ای آنان، و نیز درباره جنگجوی نا مدار "سالیر قازان" و وزیر خردمند و "قورقوت آتا" و دیگران اینکه بخش قابل توجهی ازا و غوزه‌ها را طوایف قدیمی صحرانشین آسیا میانه (مانند آنانها...) تشکیل داده‌اند، حقیقتی تردید نا پذیرمی باشد. بهمین سبب نمی‌توانیم او غوزه‌ای آسیا میانه در قرون نهم و دهم را طوایف خالص ترک آرزیابی کنیم.

بخشی از آنان بویژه ساکنین نواحی سفلای سیخون و بینا با نهای قراقوستان مرکزی امروزین از نژاد مغول بوده‌اند. (جغرافی دان عرب آنها را کوتاه قدو داده از چشم‌اندازی تنگ توصیف نموده‌اند)

مادر میان نامهای طوایف او غوزه‌ها به اسامی زیادی برمی‌خوریم که در میان ترکمنها وجود دارد، بطور مثال می‌توان به اسامی سالیپر (سالور)، بیات، قاپی (از طوایف قبا بیل گوکلان)، "ایگدر"، "باییندر" (ظایفه‌ای از قبیله گوکلان و ابدال)، بکدلی (بیگدلی)، کارکین (قاپقین)، "توتورغا" یا "دودورغا" (ظایفه‌ای از قبیله گوکلان) و بخی دیگر اشاره کرد.

بسیاری از تاریخ نویسان براین اساس معتقدند که در میان او غوزه‌ای قرون نهم و دهم ترکمن های نیز بوده‌اند. اما این ادعای چندان به حقیقت نزدیک نیست. در واقع او غوزه‌ای کی از نیاکان ترکمن های بوده‌اند، با یاد توجه کنیم که اولانها بخشی ازا و غوزه‌ها بعد از ترکمن نام گرفته‌اند. ثانیانه تنها و غوزه‌ها بلکه نما یندگان طوایف و قبا بیل زیادی وارد ترکمن ها گشته‌اند. بدین ترتیب بخشی از نیاکان ترکمن های بومیان کشاورزان مدارسانک در مناطق ترکمن نشین امروزی بوده و بخش دیگر قبا بیل ترک زیانی از نژاد مغول بوده اند که عمده‌یهای دامدارای اشتغال ورزیده و آسیای

مرکزی) آلتایی ، سین کیانگ و مغولستان) به محدوده ترکمن شیخ
امروزی (درشوری، ایران و افغانستان). آمده‌اند.
نام "ترکمن‌ها" برای نخستین بار در اسناد تاریخ ادبیات
۱۲۰۰- ۱۰۰۰ سال قبل ثبت شده است. در پاره‌ای اسناد درباره
تصرف آسیاً توسط اعراب و نیز در دایرة المغارف^(۱) شون - دیانگ^{*}
چین - که در قرن هشتم تنظیم شده - از ترکمن‌های انانم برده می‌شود
مقدسی جغرافی دان نامی عرب در اثر معروف خودا زترکمن‌های ساکن
سمیرچیه "سخن گفته است که رهبر آنان در شهر اردو" زندگی می‌کرده
است. نظام الملک سیاست‌مداد رمثور ایران نوشته است که ترکمن‌ها
درا واسط قرن دهم در دشتهای خراسان زندگی کرده‌اند. در آن زمان
واژه "ترکمن‌ها" به معنی "پراکنده" بکار می‌رفت. می‌توان گفت
که نام ترکمن‌ها به بخشی از قبایل صحرائیین ترک زبان (اوغوزها،
قارلیق‌ها و ...) مناطق زراعی آسیای میانه یعنی (محدوده‌ای
قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان، افغانستان گنونی و ...)
اطلاق می‌شده است، که تمدن همسایگان کشاورز خوش راجذب و تداوم
باشیده و نیز زودتر از سایر قبایل ترک زبان، اسلام آورده‌اند.
(۲) - طوایف بیانات، قایی، بایندور، بیگدلی و دودورغا جز
طاویه‌گوکلان می‌باشد که اکنون در ترکمن صحرا ایران اسکان
دارند. خواجه رسید الدین فضل الله درباره طوایفنا میرده در اثر
مشهور خودجا مع التواریخ به تفصیل سخن گفته است. ایگرها نیز
در حومه گنبدکاروس ایران زندگی می‌کنند.

(۱) - شماره و نام این روایات را خان خیوه "ابوالغازی" در اثر
خودبهنا م "شجره نسل ترکمن‌ها" (قرن ۱۷) آورده است.

تکامل قوم ترکمن و پیدایش ملت ترکمن

مقدمتا با یادبه سرنوشت ترکمن هایی که در زمان حرکت سلجوقیان در آسیا میانه باقی ماندند اشاره شود. آنها عمدتاً عبارت بودند از قبایل و طواویف مختلف اغوزها مانندیا زیر (یا زر)، سالیر (سالور، سالار)، بایات (بیات)، چوودیر، کا وکین (قا رقین)، ایگدیر (ایگدر)، کایی (قا یی)، توتورغا (دو دورغا)، بکدلی (بگدلی) - بیگدلی) و ...

اولابسیا ری از آنها بطور عمده زندگی اسکان یافته اختیار نموده و در عین اشتغال به دامداری به کشاورزی نیزی می پرداختند و متناسب با آین وضعیت، افراد نیز به چومورها (کشاورزان تخته قاپو) و چارواها (دامداران کوج نشین) تقسیم گردیدند.

شانیا آنان هنگام گذاره زندگی اسکان یافته به جهت آنکه در جوا رخسا نیها و خوارزمی هاتخته قاپوسکنی گزیدند، در پرسه کاروزحمت با آنان نزدیک شدند. این نزدیکی تاثیر خود را بر شیوه تولید، زندگی، فرهنگ و تمدن وزبان آنان به جای می نهاد. اغوزها پیشه وری و کشاورزی را از خراسانی ها فراگرفتند و بسیاری ازوازهای آنان را در زبان خودداخیل کردند. خراسانی ها نیز به نوعی خود بخیلی چیزهای (بویژه در زمینه دامداری) و نیز عرف و عادات و واژه ها را از همسایگان جدید خود کسب نمودند. اقوام کشاورز و صحرانشین از طریق نزدیکی بهم، یکدیگر را در عرصه تولید و تمدن غنی ترمی نمودند.

محمود کاشغری داشمند ترک در قرون یازدهم میلادی چنین نوشته است: "آنان (غزها) زمانی که با پا رسها در آمیختند، بخشی از واژه های خود را افرا موش نموده بجا ای آن شروع به استفاده از کلمات پا رسی نمودند" محمود کاشغری بعنوان نمونه بسیاری ازوازهای مزبور ادرا شرخود ورده است. تقریباً تمامی این واژه ها کلمات مربوط به کشاورزی و پیشه وری است.

در قرنهای یازدهم ودوازدهم خراسانی ها و خوارزمی ها بدون تردید هم از نظر شما ریسا اغوزها فزونی داشتند و هم از نظر درجه رشد در مراحل با لایتری بودند.

۱۰۷ مایورش و حشیانه لشگریان چنگیز خان در سال ۱۲۶۰ میلادی اوضاع زا راسا س دگرگون کرده و کشاورزان و مردمان شهرشین که بخشی قتل عام شده و بخشی نیز به ساری در آمدند، متتحمل ظایعات بزرگی گشتند. شهرهای خراسان و خوارزم ویران گردید و بسیار ری آذنهای از سکنه خالی شد. شکه های آبنا ری زیادی متهدم گشت، و بر پیکر تمدن کشاورزی آن سامان ضربات سنگینی وارد آمد. در تولید دادهای جایگاه تخته را حراز کرد و قبايل کوچنشینی و نیمه کوچ نشینی که ترک نا میده می شدند پتدربیح در امور اقتصادی نقش اصلی را بنا کردند. این قبايل که بخشی آزادان به زندگی اسکان یافته گذا نموده بودند در قرن های ۱۳-۱۵ بطور عمومی ترکمن ها نا میده می شدند. بقا یا مردم کشاورز فارسی زبان ساکن در مناطق ترکمن ها نیز بتدریج در میان ترکمن ها اخشد شده زبان آشنا را می پذیرند و خود را ترکمن می نامند.

قلمر و ترکمن ها در جنوب ترکمن صحرای کنونی ایران و مناطقی از خراسان در قرن های سیزدهم و چهاردهم تحت سلطه ایلخانی آن (هلاکوخان مغول و اعقاب وی) در آمد و بعد از آن نیز تحت تسلط تیمور لنگ و خاندان وی قرار گرفت. در این دوره مناطق شمالی (استان ترکمنستان شوروی امروزی) نیز تحت فرمان خانهای "آلتنین اردو" (اردوی طلایی) بوده و گهگاه (بویژه در قون پا نزدهم) به استقلال نیز دست می یافته است.

مناطق جنوبی در دوره تسلط مغولها، شدیدترین تهاجمات و پیرانی ها را متحمل شد و توانایی حیران خسارات وارد را نداشت. در این سرزمین بیانات ها، سنجوها و پرخی دیگر از قبايل ترکمن و نیز مقایای خراسانیها ساکن، که بسیاری از عادات زبان آشنا را پذیرفته بودند، زندگی می کردند. در بسیاری از شهرها و مناطق روستایی دامدارانی که زندگی اسکان یافته اختیار نموده بودند، در طی زندگی مشترک با بومیان کشاورزی ایل مشترکی را تشکیل می دادند، قبايل ترکمن "نحوه‌لی"، "مویرجه‌لی"، "آتوی" "مهین لی"، "فتح‌لی" و پرخی دیگر بین گونه شکل گرفتند.

بخش عمده ترکمن ها در آن زمان در مناطق شمالی می زیستند. در قرن سیزدهم قبايل گوناگون از دست معولان مهاجم به اعمالی بیانهای پناه برندند. همچنین بقا یا قبايل قدیمی اوغوز سالیرهای چوودورها، ایگدرها، ارساریها (که به نام سرکرده خود روساری بساي) ارساری نا میده می شدند. هم در آن مناطق گردد آمده بودند، و رفتہ رفتہ به کشاورزی اشتغال یافتهند.

در زمان هجوم مغولها، آب رودخانه جیحون از کتارهای آن سر بر زده، به بیوی غرب جریان یافته، حلگه بیکران "سیاری قامیش را سیراب می نموده است. دریاچه بزرگی از آب شیرین نیز در این محل بوجود آمده بود. ترکمن ها و سایر فواریانی که از طوابیف مختلف بودند در "سازی قامیش" گردیده، با احداث شکه های پیچیده هزاره کتار زمین آبیاری می گشت. بخشی از مردم نیز به پیشه وری

ویخشی دیگر به دامداری پرداخته‌اند. چاهها و آبگیرهای خشک شده‌ای که اگنون در آن منطقه وجود دارند، خود بیانگر آن است که روزگاری انسان‌های زحمتکش زیادی در این نواحی زیسته‌اند. در واقع نیز در مناطق شمالی بجزالیرها، چوودیرها، ایگدرها، ارساری‌ها، خیزیرلی‌ها، آلیلی‌ها قبایل دیگر ترکمن چون تکه، یموت، گوکلنج، یمیرلی، آراباچی، آتا و ... نیز زندگی کرده‌اند. از مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید که در واقع این منطقه خشن محل نشوونمای خلق ترکمن بوده است.

اتمام پروسه تکوین قوم ترکمن مربوط به قرن‌های ۱۵-۱۴ می‌باشد. در آن دوره وحدت قبایل صحرانشین - که زندگی اسکان پا فقط اختیار نموده بودند - با تقاضای مردمان تخته قاپوی قدیمی در جنوب ایشان نیز مردمانی که از دست ستم خانهای مغول جلای وطن کرده و به این مناطق آمده بودند، قبایل جدید تشکیل دادند.

اغوزها و نیز مردم اسکان یافته خراسان شمالی که با آبان آمیزش یافتد، نیاکان اصلی ترکمن هاستند. بجزاینها مانند ترکیب ترکمن‌ها بانامهای شناخته شده‌ای چون ابدال، عرب، قالمیق، قپچاق قارلیق (قارالوق)، مغول، تاتار، مرکیت، موکری، آغار، گرایلی (گرایلی، گرمی)، خلخ و قبایل دیگر برخورد می‌کنیم. این نامها متعلق به قبایلی است که زمانی در محدوده ترکمن‌ها می‌زیسته و به قبایل ترکمن پیوسته‌اند.

برخی طوابیف ترکمن (ما نندطوا یاف سییدیا سید، شیخ، خوجه) احتمالاً در رابطه با روحانیون مسلمانی که در سرحدات قلمرو ترکمنها می‌زیستند بوجود آمده‌اند. بدین ترتیب تکوین و تکامل خلق ترکمن همانند سایر خلق‌ها پیچیده بود. از نژادها و قبایل گوناگونی که باهم آمیخته، به مجموعه واحد پیوسته‌اند. هم‌دیگر راغنی ساخته‌اند بوجود آمده است.

پیدا یش قوم ترکمن در قرون‌های چهاردهم و پانزدهم با شرایط معینی مشروط گشته بود، این شرایط عبارت از این بود که در جنوار حفظ بقا یا نیرومند ساخته رقبه‌ای، و وندتکا ملی فئودالیزم نیزه تهادرمیان اهالی اسکان یافته، بلکه در میان مردم کوچ نشین صحراء‌ها نیز یا یان یافته.

پس از آن در قرون‌های ۱۴-۱۸ قبایل ترکمن‌های شمال به دنبال خشکیدن تدریجی دریاچه ساری قامیش و از سوی دیگر تشدید حملات لشکریان خانهای ازبک، قالمیق و قزاق به سوی جنوب سرازیر شدند. در قرن ۱۶ آلیلی‌ها، گوکلنج‌ها، یمیرلی‌ها و برخی دیگر، در قرن ۱۷ ارساری‌ها و سالهیرها و ساریق‌ها در قرن ۱۸ تکه‌ها ویخشی ازیموتها نیز به جنوب مهاجرت نمودند. دوست در همان قرن بخش دیگری موتها در غرب خوازم (استان داش‌حوض فعلی در ترکمنستان شوروی) به زندگی اسکان یافته گذاشتند. و در اوایل قرن ۱۹ چوودیرها نیز با آنان پیوستند. اینگونه مهاجرت‌های بین قبایل متوجه شد ... در

نتیجه این جنگها یا زرها (قره داشلی ها)، یمنولی ها و بخشی از آلیلی ها به خوارزم و بخش دیگریه افغانستان رفتند. بسیاری از قبایل ترکمن نیز با رها زیستگاه خود را تغییر دادند. بخشی از آنان (عمدتاً چوودیرها) در اواخر قرون ۱۷ حتی به رویه مهاجرت کردند.

پراکندگی قبایل ترکمن مورداً استفاده وسیع دولتهای فئودالی همچو رهمچون شاهان ایران، خانهای خیوه و بخارا قرار می‌گرفت. آنها می‌کوشیدند تا با انواع شیوه‌ها تخم دشمنی و تفاوت میان ترکمن ها بیانشند و آنان را به زانودر آورند.

چنین وضعیتی در وجود فرزانه‌ترین و آینده نگرترین افراد ترکمن از جمله مختار قلی شاعراندیشمند بزرگ ترکمن - که ترکمن ها را به اتحاد، برای رفع ستم بیگانگان وايجاد دولت مستقل خويش فرازمند خواند - تأسف و خشم وکیں عميقي می آفرید. اما اين آرزوی شاعونه تنها در حین حیات وی، بلکه حتی پس از گذشت صد سال از درگذشت نيز تحقق نیافت. پراکندگی خلق ترکمن، تمايز طوایف مختلف بوسیله برخی آداب و رسوم، لباس و نوع مسكن و اختلاف گویش های قبایل مختلف - که گاهی سبب دشمنانگاشتن یكديگرمی شد، مدتها آدامه داشت.

به راستی علت اينکه خلق ترکمن در آن زمان موقف نشدن اين پراکندگیها چیزه شود چيست؟ علت اصلی را بايد در عقب ماندگی اقتصادي ترکمنها جست. تا واسط قرن نوزدهم دامداری - که بدون تهيه و ذخیره سازی علوفه انجام نمی گرفت - وجود اقتصاد روزستایی عقب مانده - بدون سیستم صحيح کشاورزی و استفاده از ابتدایی ترین ابزارهای زوتا سیاست آبیاری - پایه اقتصادیت ترکمن ها را تشکیل می داد، همچنین از صنایع دستی در خور توجه نيز خبری نبود. و شهرها یي که بتوانند به مراکز سیاسی، اقتصادي و فرهنگی عموم ترکمن ها تبدیل گردند، وجود نداشت. قبایل ترکمن در زمینه اقتصادی روابط سنتی با هم داشتند. ترکمن های خوارزم با خیوه ترکمن های کناره چیخون با بخارا، ترکمن های دامنه "کوبت داغ" و خومه اترک با ایران و ترکمن های مانقشلاق با روسیه داد و ستد می نمودند، ولی در عین حال تقریباً هیچگونه داد و ستد میان خود نداشتند.

اما على رغم همه اینها آنان دارای نکات مشترک بسیار زيادی بودند، همه زبان يكديگر را بخوبی می فهمیدند، تقریباً بسا مشابهی می پوشیدند. وجه تشابه متعددی در آداب، سنن، شیوه زندگی و اقتصاد آنان وجود داشت. همه ترکمن های اشعار مختومقلی و حماسه "کورا و غلی" و داستانهای دیگر افتخار می گردند. مضاف بر آن کم نبود مواقعي که آنان از ترس تهاجم بیگانگان هر چند بطور گذران تحدمی شدند، هرچند این اتحاد دها هرگز نتوانست قوام یا بدرو پایدار گردد. خلاصه کنیم: اقتصاد عقب مانده و طبیعی امکان ندادتا قوم ترکمن بيش از پیش رشد نمود، انسجام یافته و به "ملست" تبدیل گردد.

پیادایی ملت سویالیستی ترکمن

الحق بخش شمالي قلمرو ترکمن ها به اميراطوري روسیه در نهم دوم قرن سوزدهم (۱۸۸۵-۱۸۸۱) به لحاظ پیامدهای بعدی آن حادثه مهمی در تاریخ خلق ترکمن بود. علیرغم مضمون ارتقای و نظم اجتماعی رگرانه ترازیم، الحق بخش شمالي به روسیه سبب پیدایی اعتماد مرتفعی ذوزتگی این خلق گشت. پروسه جذب این مناطق به سیستم سرمایه داری آغاز گردید. از میان اراضی هزار خطر آن کشیده شده و شهرها کارگاه‌های صنعتی تاسیس شد. طبقات جدیداً اجتماعی پیدا شدند. شورها در روابط سرمایه‌داری در اطراف آن بوجود آمد. در پرولتا ریا و بورزوایی به میدان نهادند. کشاورزی نیز تحت تاثیر متأسیات سرمایه داری ذکرگون گشت و تولید غله و پشم و بیویژه پنبه بمتابه کالا، رشد بسیار رسیعی آغاز گردید. بخشی از ترکمنان ترکمن، شروع خود را در روابط بورزوایی بکار آوردند. روابطی با یانکهای روس برقرار رسانید و تاسیس آسیابهای بخاری، کارخانه‌های آجر پزی و چنی پنبه پاک کنی پرداختند. رشد تولید کالایی و ایجاد روابط سرمایه داری یکی رچکی ترکمن‌ها را تسريع کرد و به پروسه تبدیل ترکمن ها به یک ملت بورزوایی نیز رساند. اما این پروسه تا انقلاب کبیر سویالیستی اکتبر به پایان رسید. زیرا درجه رشد اقتصادی - اجتماعی خلق ترکمن هنوز درسطح لازم نبود و این انقلاب کبیر اکتبر یوکه همانندیگر خلق‌های داخل محدوده امپراتوری روسیه خلق ترکمن را نیز به شاهراه ترقی و سعادت سوق داد.

انقلاب کبیر سویالیستی اکتبر نظام سرمایه داری و ستم ملی را در روسیه برای همیشه به گورسپرد. حزب کمونیست لینینی مبارزه با خاطر شدافتادی و شکوفایی فرهنگی ملت‌های عقب مانده و آنچه ملت ترکمن را گسترش داد. اکتبر کبیر سراسر آغاز پیدا یش و تکامل و شکوفایی ملت‌های جدید سویالیستی گردید و همیاری برادرانه این ملت‌ها را در کار رسانید. این طبقه کارگران انقلابی روسیه تحت

رهبری حزب بلشویک‌ها اتحادیاً دهقانان ترکمن را آغاز کرد و در تحکیم آن تلاش نمود. پروسه جذب دهقانان ترکمن به شوراها، ارتضی سرخ و

شیز جذب پیشو و ترین آستان به حزب آغا زگشت .
از سوی دیگر فئودالها و سرما یه داران ترکمن در مخالفت با منافع
خلق ترکمن با استعما رگران (گا ردهای سفیدرویی و امپریالیستهای
انگلیسی) متعدد شده ، آشوب های ضدشوری در ترکمنستان بیا کردند .
و جنگ داخلی را آغا زنمودند . زحمتکشان ترکمن بزودی به ماهیت
دشمنان مردم پی بردن داد و شادو شد کارگران و دهقانان روسیه
در تحکیم انقلاب تلاش کردند . دسته های ترکمن تحت رهبری قیزیل خان
از تجن "الله یا رقریان اف از" قاری قیلا و نیز دسته های عشق آباد
و "مرو" به ارتضی سرح پیوستند و از میان آستان بعدها "بریگا" دسواره
ترکمن "تشکیل گردید . ترکمن های خیوه و بخاران نیزه مبارزه انقلابی
پیوستند . ترکمن های ساکار (ساکار) و سایا دبه رهبری "با شمسدار"
علیه امیر بخارا و ترکمن های کنه اور گنج علیه خان جنید

- خان خیوه - به مبارزه برخاستند .

درنتیجه اتخاذ در زمینه ای انتخاباتی زحمتکشان روس و ترکمن و ... در سال
۱۹۲۰ حاکمیت شوروی در تما می اراضی ترکمنستان استقرار یافت
و خلق ترکمن نیز دوش داد و شوری در راه ساختمان
کمونیزم گام نهاد .
در سال ۱۹۲۱ نام استان ما وراء خزر ترکستان به استان
ترکمنستان تغییریافت . و در سال ۱۹۲۴ براساس وحدت استان
ترکمنستان جمهوری ترکستان با نواحی ترکمن نشین بخارا و خوارزم
جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان تاسیس یافت . جمهوری
مستقل ترکمنستان در سال ۱۹۲۵ به اتحاد جما هیرشوروی پیوست
همزمان با این رخداد در سال ۱۹۲۴ حزب کمونیست ترکمنستان نیز
تشکیل یافت .

تشکیل دولت سوسیالیستی ترکمنستان بمثابة واقعه ای بزرگ و
بر جسته در تاریخ خلق ترکمن ثبت شده است . این جمهوری که مردمان
پراکنده ترکمن را در خود متحتمی ساخت شرایط مساعدی را جهت بنای
سوسیالیسم در ترکمنستان و نیز رشد و تعالی ملت سوسیالیستی ترکمن
فرآهم آورد . عوا مل زیر برای تأمین این رشد و تعالی ضرورت داشت :
۱ - ضرورت ایجاد طبقه کارگر ترکمن بمثابة نیروی رهبر ملت
سوسیالیستی .
۲ - ضرورت نابودی طبقات استثمارگر (کولاک ها ، اشراف و بقا یای
خانها)

۳ - ضرورت غلبه بر پراکندگی قبیله ای - طایفه ای خلق ترکمن ،
پایان دادن به خصوصیت های دیرپا میان طوابیف ، قبایل و اقوام
مختلفه تکمیل پروسه ایجاد زبان مشترک و همگانی ادبی و محاوره ای
ترکمنی و فرهنگ ملی سوسیالیستی و ... و نیز ایجاد روش نگران ملی
شوروری .

۴ - ضرورت اتحاد طبقه کارگر و دهقانان در درون ملت و تبدیل
آن به دوستی و برادری خلل ناپذیر .

۵ - ضرورت تحکیم دوستی میان زحمتکشان ترکمن با زحمتکشان تما می کشور، غلبه بر گلیمه مظاہر ناسیونالیسم، خصوصت ها و اختلافات ملی و نیز ارتقای اتحاد ملل به دوستی و برادری خلخال ناپذیر. تما می وظایف فوق در پرسه ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری حزب کمونیست تحقیق پذیرفت.

طبقه کارگر ترکمن در اوایل دهه ۳۵ بوجود آمد، شمارکارگران ترکمن در سال ۱۹۳۶ تقریباً ۱۰ هزار نفر بود. طبقه کارگر ملی که بر اساس سیاست لینینی حزب کمونیست و در دوران حکومت شوروی بوجود آمد توسط سازمانهای حزبی رهبری می گشت به ادعای بورژوازی ملی، خانها و ثروتمندان جهت کسب موقعیت رهبری درجا معمه ترکمن الی ابدخانمی داد و به محور مستون فقرات ملت سوسیالیستی ترکمن مبدل گشت.

کلکتیویزا سیون (جمعی کردن) کشا روزی در روشنوت کامل ملت سوسیالیستی ترکمن نقش بسیار عظیمی ایفا کرد. دهقانان ترکمن که تقریباً ۹۲ الی ۹۳ درصد ملی خلق ترکمن را تشکیل می دادند تا اواسط دهه ۲۰ از نظر سیاست هنوز از رشد بسیار کمی برخوردار بودند. وبخشی قابل توجهی از آنان هنوز تحت تاثیر روحانیون و خانهای قبایل قواردا شپند، اصلاحات اراضی در سالهای ۲۷ - ۱۹۲۵ گام سیاسی بزرگی درجهت جذب دهقانان به طرف حکومت شوروی بود. در سال ۱۹۲۹ کمک مستقیم طبقه کارگر و تحت رهبری حزب اسلام کلکتیویزا سیون گسترش یافت. روستاها با مدرنترین تکنولوژی کشاورزی بجای گا و آهن، واپستگاههای ماشین و تراکتور و... تجهیز شدند. در اواسط دهه ۳۵ امر ساختمان کالخوزها با موفقیت تمام دار ترکمنستان به پایان رسید.

دوپرسه جمعی کردن کشاورزی بقایای کولاکها و فتووالها و خانهای نابود کشتند. این امر شرایط مساعد بسیاری برای برآی شکوفایی جامعه فراهم آورد. در توکیب اجتماعی ملت ترکمن تنها دوطبقه دوست یعنی طبقه کارگر و دهقانان کالخوزی و نیز روش نفکران ملی بجانب مانندند.

در دوران بنای سوسیالیسم در ترکمنستان انقلاب فرهنگی و مدنی نیز گسترش یافت. مدارس زیاد فراگیر، آموزشگاههای عالی، روزنامهها و مجلات به زبان مادری بوجود آمد. ادبیات ترکمنی شوروی، تاتارملی، موسیقی، هنر و سینما و... بطور موفقیت آمیز رشد کرد. زبان ادبی و فراگیر ترکمنی کمال یافت.

در پرسه رشد اقتصادی و انقلاب فرهنگی ترکمن های قبایل مختلف با هم در آمیختند. تفاوت های دیرینه قبیله ای کم رنگ تر شد. بعد از کثیری از ترکمن ها به زندگی در شهرها پرداختند. "عشق آبا" پا یتخت جمهوری ترکمنستان به مرکز ملی اقتصادی و فرهنگی تما می خلق ترکمن مبدل گشت. و در کنار آن دوستی خلق ترکمن با سایر خلق های شوروی مستحکم شرگشت.

ملت سوسیالیستی ترکمن، بهترین صفات قدیمی مردم ترکمن،

چون صداقت، شجاعت، عزت نفس، آزادگی و احترام به بزرگان زاده خود جمع شموده، آنها را با اصوات جدیدی که در نتیجه کار تربیت حزب کمونیست روشنوک تکامل یافته بود (یعنی نگرش سوسیالیستی به کار، انترنا سیونالیسم پرولتیری، میهن پرستی شوروی) تلفیق نمود.

امروزه نیز خلق زحمتکش ترکمن تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و دوشادوش تما می زحمتکشان کشور در جهت ساختمنان کمونیزم عالی ترین قله تکامل بشوی - گام برمی دارد.

پروسه شکل‌گیری ملت ترکمن در ایران

مرادم از ترکمن صحراء آن سرزمین یکپارچه ایست که در آن ترکمن ها بازیان، فرهنگ و خصوصیات اخلاقی و اقتصادی مشترک زندگی می‌کنند، این منطقه از شمال به اتحاد جماهیر شوروی، از شرق به ارتفاعات بجنورد را زجنوب به کوههای البرز، از جنوب غربی تا محدوده روستاهای فارس نشین حوالی گرگان و از غرب بدريای خزر محدود می‌شود.

همزمان با جنبش مشروطه تاواسط حکومت رضاخان، زمینه‌ها و عنای صرلازم برای شکل‌گیری "ملت" ترکمن در جنوب فراهم می‌شود. در این دوره تجارت رونق پیدا می‌کند، گسترش تجارت عوامل جدیدی را در نظام اجتماعی سنتی حاکم بر صحراء به همراه می‌آورد، واردات عمده‌ای از شهرهای مختلف قفقاز (خصوصاً باکو) و اشتراخان صورت می‌گیرد و شامل کلاهایی چون چرخ خیاطی - سماور - کبریت، قند و مصالح ساختمانی و کالاهای متفرقه ذیگر است به همراه توسعه تجارت، شهرهای نیز در ترکمن صحراء اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. البته تنها محلی که واقع جنبه شهری بخود می‌گیرد بندگمش دیه است که در این سال‌ها تبدیل به بندر مهمی می‌شود. بنظر می‌آید که گنبد در این دوره بیشتر قصبه‌ای بوده و تجارت خانه‌های آن بسیار محدود بوده‌اند و اهمیت آن بیشتر مریبوط به کاروانسراهای آن بوده استه علیرغم این رونق نسبی تجارت در مقایسه با مناطقی چون آذربایجان که در مسیر راههای تجارتی عمده قرار داشتند، بندگمش دیه بسیار عقب افتاده بوده استه و بورژوازی تجاری نویای این بندر قدرت اقتصادی چندانی (مثل آذربایجان) نداشته است.

در این دوره صنایع در منطقه، بسیار عقب افتاده و ابتدائی بوده استه در تمام این دوره (مثل امروز) صنایع دستی از محدوده اقتصادخانوادگی و محیط خانه‌خارج نمی‌شود، بافت قالی - قالیچه

نموده وغیره در محدوده منازل روستا نشینان وعده تابه وسیله زنان صورت می‌گرفته است. برخلاف مناطقی که شهرها رشد بیشتری داشته اند (تبریز، مشهد و غیره) هیچگاه این صایع دستی به کارگاه‌های شهری منتقل نشده‌است. مجموع اقشار اجتماعی مثل پیشه و زمان، کسبه و زحمتکشان شهری نیروها بیسیا رمحدوداً جتماعی را تشکیل میداده‌اند. این مسئله بخصوص در آستانه جنبش مشروطه، ترکمن صحرا را از آن نیروهای اجتماعی که توافقی به دوش کشیدن بار یک جنبش بوڑواه دمکراتیک را داشته باشد، محروم می‌کند.

عقب افتادگی اقتصاد شهری، جدا از نظام بسیار عقب افتاده‌ای که بر روستاها ترکمن صحرا حاکم بود، قابل بیان نیسته در روستاها رشته تولید عمده‌دا مداری بود و در کشاورزی نیز اهمیت داشت نظام حاکم بر روستا نوعی نظام پدرسالاری و شبانی بوده است. مراتع در مالکیت روستاها مجاور آن بوده و در مجموع مالکیت خصوصی بر زمین وجود نداشته یا زمین کشاورزی در مالکیت یک واحد اجتماعی بوده و کشت و زرع هم بطور دسته جمعی صورت می‌گرفته و یا، در آنجائی هم که کشت و زرع فردی صورت می‌گرفته هنوز مالکیت فردی ثابت نشده بوده است و جوز زمین‌های وسیع قابل کشت و ضعف نیزه‌ها تولیدی (تکنیک‌های عقب افتاده کشاورزی و کمبود نیروی انسانی نسبت به زمین‌های قابل کشت) امکان میداده روستاها ترکمن صحرا به اندازه توان خودکشت‌کنند و عملاً در استفاده از زمین محدودیتی به وجود نیامد، درنتیجه تا حدودی لزوم مالکیت فردی زمین و مشخص کردن حد و مرزهای آن به وجود نیامد. خانها و ریش سفیدان از امتیازات خاصی نسبت به دیگران برخوردار نبودند و هنوز اموال عمومی را بخود اختصاص نداده بودند.

شکافی که رشد تجارت بتدریج در نظام حاکم بر ترکمن صحرا بوجود می‌آورد بازتاب خود را نه تنها در گسترش شهرها و در رشد مصروف بلکه بطور طبیعی در شیوه‌های زندگی سنتی ترکمن‌ها نیز نشان میداده بعد از قرن‌ها ترکمن‌ها که در آلاجیق زندگی می‌کردند به خانه‌های چوبی و خانه‌هایی که از مصالح ساخت روسیه و با طرح‌های روسی ساخته می‌شد روآ و زند. در کمش دپه تجار و مسافرینی که به باکو و آشخان رفت و آمده شتند برای اولین بار لباس‌های سنتی را کنار گذاشتند و کت و شلوار پو شیدند. اولین نسل ترکمن‌هایی که به تحصیلات غیر سنتی پرداختند و ساکنیں کمیش دپه بودند. اینها بدور جات مختلف فیرهنگ و افکار سیاسی و اجتماعی را به منطقه منتقل می‌کردند.

سال‌های اول حکومت رضاخان با تغییرات محسوس ولی نه چندان مهمی در جوانب مختلف زندگی مردم ترکمن‌ها بود. کنترل بیشتر مرزها، پیدا شدن سروکله ژاندارم‌ها و مامورین دولتی ادارات رضاخانی وغیره از علائم این تغییرات بودو به مضی آنکه رضاخان از مشغولیات مهمتری که درسا یارنقا طایران داشت فارغ شد و به ماشین اداری نظامی خودسر و صورتی داد، متوجه ترکمن صحرا شد.

برنامه هایی که دستگاه های اداری و نظامی دولت رضاخان از اوسط حکومت وی آغاز کردند آن سیر تکا ملی را که جامعه ترکمن در ارتباط با رشد تجارت در بند رکمش دپه و بورژوازی تجاری نوی پای ترکمن می توانست داشته باشد متوقف کرد و آنرا در سیری خاص انداخت که امروز شرایط حاکم بوزندگی اجتماعی مردم ترکمن ادامه منطقی آن مسیر است و در نتیجه تمام جلوه های ستم ملی که امروز برمیلت ترکمن وارد می شود منشاء خود را در سیاست های دارد که دولت رضاخانی در آن سالها آغاز کرد، در مجموع روابط سرمایه داری که خلطتها بوروکراتیک داشت در شهرها رشدیافت و قشری از غیر ترکمن ها (غمدتا فارس) که وابسته به ادارات دولتی بودند ساکن منطقه شدند.



از انتشارات

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن